



گفتگو



نماد کامل تعهد و صداقت بود

محمد حسن اسدی عضو شورای ولایتی بامیان

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

۱ • در سال ۱۳۶۸ جنگ‌های داخلی به اوج خود در ورس رسیده بود. در ماه جوزای همان سال، مرحوم آیت‌الله پروانی و رهبر شهید با هدف خاموش کردن جنگ در مناطق مرکزی به خصوص در ولسوالی ورس که از همه جا بیشتر در آتش جنگ می‌سوخت به ورس آمدند. در این مسافرت، آن دو بزرگوار، در نتیجه موفق شدند که طرف‌های درگیر را به آتش‌بس و صلح حاضر نمایند. قرار شد در اولین جلسه بزرگ با حضور مردم، نظامیان و مسئولین احزاب پاسداران جهاد، سازمان نصر و شورای اتفاق که در محل شفاخانه فعلی ورس دایر گردیده بود، رهبر شهید سخنرانی نماید. اما ایشان به هیچ وجه حاضر به

سخنرانی نشدند. من به‌عنوان گرداننده جلسه بر اساس تقاضای مردم و علمای حاضر در جلسه از پشت تریبون اعلام کردم که هم اکنون استاد مزاری سخنرانی می‌کند، باز هم استاد حاضر نشد که پشت تریبون بیاید و گپ بزند. مردم با اصرار تقاضا کردند که استاد گپ بزند باز هم، استاد حاضر نشد و تعدادی از علما از جمله مرحوم استاد محقق صد برگ، از جایش بر خاسته به پیش استاد مزاری زانوزد که باید سخنرانی نمایند. باز هم استاد حاضر به سخنرانی نشد. بالاخره جلسه با سخنرانی آیت الله پروانی خاتمه پیدا کرد.

بعد از ختم آن جلسه بزرگ و تاریخی به اطاق برگشتیم. مسئولین سازمان نصر از ولسوالی‌های ورس، پنجاب، یکاولنگ و لعل خطاب به رهبر شهید گفتند: «استاد امروز شما کار خوب نکردید باید سخنرانی می‌کردید.» استاد با همان لهجه مخصوص بخودش فرمود آتی‌مه شما می‌خواهید جنگ خاموش شود یا من این جنگ را گسترش بدهم؟ اگر من سخنرانی می‌کردم باید بسیاری از واقعیت‌ها را هم بیان می‌کردم. در این جنگ‌ها دست‌های زیادی دخیل است و خون‌های جوانان ما به ناحق ریخته شده است. من اگر حرف بزنم حقایق را می‌گویم و نمی‌توانم دروغ بگویم و این کار برای خیلی‌ها قابل تحمل نبود. در نتیجه آتش‌بس و صلح به میان آمده دو باره به جنگ‌های جدید منجر می‌شود. او گفت سکوت گر چند کشنده است و درد را در دل پنهان کردن سخت ولی مصلحت ترک خصومت و جنگ، بزرگتر است.

سال ۱۳۷۳ در کابل بودم. در آن سفر
۲. توفیق یافتم که با یک از دوستان به حضور رهبر شهید بروم. در آن ملاقات بعد از مطرح کردن موضوعات مختلف به خدمت شان یادآور شدیم که دیگران مثل شما برای فعال عضویت حزب وحدت را دارند، اما در عین حال جهت زنده نگهداشتن احزاب منحل‌ه شان تلاش و فعالیت دارند، ما هم تقاضا مندیم شما هم در این جهت با اعضای سازمان نصر همکاری داشته باشید و برای داشتن یک توان خودی، جهت روزهای سخت و بد تلاش شود.

رهبر شهید بعد از شنیدن این موضوع به شدت عصبانی شد و گفت: هر کسی مسئولیت و مکلفیت خود را دارد. من که سازمان نصر را دفن کرده‌ام دیگر جریانی به نام سازمان نصر ندارم در این جهت دوام سازمان نصر [یک افغانی را هم مصرف نمی‌کنم و آن را جایز هم نمی‌دانم. بعد از ختم ملاقات از حضورشان مرخص شدیم. وقتی بیرون بر آمدیم همدیگر را ملامت کردیم که چرا این موضوع را با ایشان مطرح کردیم.

